



کارشناسی و خبره‌گی ماهیت و کارایی

احمد یوسفی صادقلو*
علی نصراله‌ی**

چکیده

یک نظام حقوقی با عملکرد مناسب و خوب یک از عوامل کلیدی برای توسعه عدالت اجتماعی و اقتصادی خواهد بود. تحول عظیم اقتصادی و پیشرفت‌های کنونی در جوامع، سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و... منجر به افزایش تعداد پرونده‌های قضایی شده که رسیدگی به آنها در توان قاضی به تنهایی نمی‌باشد. ظرفیت سیستم قضایی ایران در دهه‌های گذشته به استانداردهای جهانی نزدیک شده اما هنوز نیاز به برخی پیشرفته‌ها احساس می‌شود. یکی از مواردی که توجه چندان به کاربرد مفید آن نشده نقش فرهنگ استفاده از کارشناسان و متخصصان حرفه‌متنوعی است که در کشورهای توسعه یافته مانند انگلستان، اکراین، فرانسه و... و حتی کمتر توسعه یافته نظیر ترکیه به استفاده روز افزون آن در دستگاه قضایی خود پی برده‌اند و در تلاش هستند از این ظرفیت تحت عنوان پروژه‌های بهبود استفاده از سیستم کارشناسان در دادگاه‌ها به خوبی بهره ببرند. در کشور ما نیز براساس متون فقهی این تاسیس از دیر باز مورد استفاده بوده اما متأسفانه علی‌رغم چالش‌های فراوان دستگاه قضایی کشور با پرونده‌های بعضاً بدون پیچیدگی به خوبی از پتانسیل آن استفاده نمی‌شود.

در این مقاله سعی شده با بیانی از مبانی فقهی و حقوقی مباحث کارشناسی و اهمیت استفاده از متخصص و خبره اشاراتی شود و سپس تضادهای کاربردی کارشناسان رسمی و غیررسمی که از آن به خبره نیز یاد می‌شود و ممکن است افراد و سازمان‌ها برای ادله‌های اثباتی خود متوسل شوند بحث خواهد شد. در نهایت نیز با تحلیل به ارجحیت استفاده از کارشناسان رسمی بر خبرگاه محلی و کاربرد آن در بهبود فرایند قضایی که منجر به کاهش اطاله دادرسی‌ها می‌شود توضیح داده خواهد شد.

کلید واژه‌ها

کارشناس، کارشناس رسمی دادگستری، خبره، کارشناسی

*. دکتری حقوق خصوصی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران a-yusefi2005@yahoo.com
**. کارشناس ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک (نویسنده مسئول)
nasrollahi110@gmail.com

مقدمه

می‌توان این‌گونه مسئله را بیان کرد که ارجاع به کارشناس زیربنای اجرای حق و عدالت است البته اگر به جا و به کاردان سپرده شود. ارجاع به متخصص حتی در باب صلاحیت‌های دادگاه‌ها هم ملاک توجه قرار گرفته است. همان‌گونه که معلوم است دادگاه‌ها را به حقوقی و کیفری و خانواده و حتی در امور تجاری تفکیک کرده‌اند و سعی بر این است که حتی الامکان با ارجاع پرونده به قضات متبحر و اهل فن و متخصص در اجرای عدالت کوشش شود. البته به اجرای عدالت واقعی حتما نخواهد رسید اما گامی در این زمینه برداشته خواهد شد. ناگفته نماند ارجاع امر به کارشناس و اهل فن موجبات و سوء استفاده احتمالی در باب صدور رای توسط قاضی و خودکامگی وی را می‌بندد و حتی در قانون آیین دادرسی مدنی ملاحظه می‌شود که در صورتی که طرفین رای کارشناسی مرضی‌الطرفین را مبنا قرار دهند هیچ‌کدام حق اعتراض نخواهد داشت و قاطع دعوا خواهد بود. عرف نیز نظر خبره و اهل فن را بر هر چیز ترجیح می‌دهد و عموماً این موضوع و ارجاع در باور عمومی و حتی در سطح بین‌الملل هم قابل لمس است و عقلاً نظر متخصص را فصل‌الخطاب می‌دانند. ارجاع موضوع به کارشناس آنقدر مهم است که لازم است قانون‌گذاران این تاسیس خوب حقوقی را مورد توجه مضاعف قرار دهند و متأسفانه باید گفت چه در بین مردم و چه در بین مسئولین مربوطه چندان مورد توجه قرار نگرفته است. دکتر محمود سرشار معتقدند «تمدن فعلی دنیا مدیون افراد بشر در امور مختلف است و هر قدر تمدن پیشرفت نماید به همان میزان فن نیز پیشرفت خواهد کرد. در کشورهای متمدن جهان مدار عمل کلیه سازمان‌های اجتماعی و اداری و اقتصادی و سیاسی آن از قبیل وزارت‌خانه‌ها و بنگاه‌های عمومی و بلدی و ملی در هر قسمت از اموری که در صلاحیت آنان است با جلب نظر کارشناسان فنی انجام می‌گیرد و تا زمامداران و متصدیان امور نسبت به هر امر و قضیه‌ای نظر کارشناسان فنی را جلب نمایند به‌هیچ‌وجه دخالت و مبادرت به عملی نخواهند نمود و برای رعایت همین اصل است که کلیه سازمان‌ها نتایج نیکو و مفیدی برای اجتماع داشته و وجوه اعتبارات عمومی بیهوده مصرف نگردیده و به نتایج مطلوبی خواهد رسید» (سرشار، ۱۳۲۱، ۹)

می‌دانیم فلسفه تشکیل شورای حل اختلاف جلوگیری از ورود بی‌رویه پرونده به دستگاه قضاست که هدف غایی آن یعنی اجرای عدالت با توجه به تراکم بیش از حد پرونده‌های متنوع برآورده نمی‌گردد و این که بیشترین اختلافات مردم با قضاوتی ساده و منطبق با علم به استناد نظرات اهل فن به‌راحتی قابل حل است. برای مثال در تصادفات بلافاصله کارشناس اهل فن ناچا در صحنه حاضر شده و اقدام به ترسیم کروکی و تشخیص علت‌تامه سانحه می‌نماید. و این مستندات اعمال نظر سیستم بیمه و قضایی خواهد بود و بر مبنای آن تصمیم‌گیری خواهد شد. این اقدام می‌تواند به اموری دیگر هم تعمیم پیدا کند. مثال دیگر تعیین میزان ارث است که یک موضوع کاملاً مشخص و طبق قانون و فقه خطکش منظم داشته و با یک کارشناسی ساده سهام‌ها تعیین می‌گردد. در این خصوص تنها در

صورت وجود ایراد ماهوی است که باید به قضاوت گذاشته شود. لذا با این طریق همان طور که گفته شد از مشغول سازی سیستم قضایی جلوگیری بعمل گیری شده و به انجام وظیفه اصلی خود که اجرای عدالت است نائل خواهد آمد.

مبانی اعتبار حجیت نظر کارشناس

در حقوق اسلام نیز «نظر اهل خبره» به طور وسیع مورد توجه قرار گرفته و در ابواب مختلف فقه به نحو گسترده، به نظر اهل خبره استناد شده و مصادیق متعددی از کارشناسان و موضوعات تخصصی که در آن‌ها رجوع به اهل خبره ضروری است، مطرح شده‌اند. خداوند متعال در سوره مبارکه نحل و انبیاء از اهل ذکر نام می‌برد: فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون؛ علماً منظور از اهل ذکر را اهل دانش و تخصص شناخته‌اند. (خوئی، ۱۳۰۵، ۱۶۶)

این است که ذکر در لغت به معنای مطلق علم می‌باشد بدون تقید و خصوصیتی و ملاحظه موارد استعمال این ماده و مشتقات آن مانند کلام خداوند تبارک و تعالی «لعلکم یتذکرون» بر آن شهادت و گواهی می‌دهد. بنابراین منظور و مقصود از کلمه «اهل» در این آیه این است که هر کسی که عالم و دانا باشد در موضوعاتی از موضوعات و مسأله‌ای از مسایل وجهی برای مناقشاتی شده است. (حسینی، ۱۳۸۰، ۱۵۴)

یکی از اقسام اهل خبره در فقه اسلامی «خارص» نامیده می‌شد و آن کسی بود که ارزیابی و تقویم میوه‌ها برای تعیین مقدار زکات به او محول می‌شد پیامبر (ص) عبدالله بن رواحه را به جانب یهودیان خبیر فرستاد تا میزان خرماي آن‌ها را ارزیابی کند. (موسوی، ۱۳۹۱، ۵)

اگرچه، فقهاء نظر اهل خبره را به صورت متمرکز و در باری مستقل مورد بحث قرار نداده‌اند، اما همانند سایر موضوعات، احکام و شرایط مربوط به آن را در ضمن بحث از مصادیق آن بیان کرده‌اند. مهم‌ترین دلیلی که فقهاء بر اعتبار نظر اهل خبره ذکر کرده‌اند، سیره عقلاء بر رجوع به اهل خبره در همه زمان‌ها و مکان‌ها است که مورد ردع شارع واقع نشده است. همچنین فقهاء در خصوص شرایط اهل خبره، به ویژه تعدد و عدالت و رابطه نظر اهل خبره با سایر ادله، به خصوص شهادت، به طور مفصل به بحث و بررسی پرداخته‌اند در حقوق موضوعه کشور ما، اگرچه در کتاب سوم قانون مدنی نامی از کارشناسی برده نشده اما در قانون آئین دادرسی مدنی، کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد توجه قرار گرفته و احکام مربوط به آن در قانون نیاد شده و در قوانین دیگر (از جمله قوانین مربوط به کارشناسی) بیان شده است. از مجموع مواد قانونی مربوط به کارشناسی چنین نتیجه گرفته می‌شود که چگونگی ارجاع و انتخاب و موضوع کارشناسی و نظر کارشناس تابع احکام و شرایطی است که اعتبار نظر وی مبتنی بر آن‌ها است و عدم رعایت آن‌ها موجب بی‌اعتباری نظر کارشناس می‌شود. یکی از منابعی که در فقه به آن توجه می‌شود بحث عقل است. می‌دانیم منابع فقه به کتاب، سنت - عقل و اجماع تقسیم می‌شود. در

قسمت عقل است که بنای عقلا بر رجوع به متخصص استوار بوده و در گذشته و حال نیز هرفردی که بیمار می‌شده برای تشخیص آن به طبیب مراجعه می‌کند.

اجماع: برخی اصل و جواز رجوع به خبره را ادعای اجماع بیان کرده‌اند و از این ره برای آن حجیت قائل شده‌اند. (بلاغت، ۱۳۸۷، ۴۵)

شیوه عقلا بر ارجاع امر مبهم به خبره و اهل فن تاکید دارد. بنابراین در فقه، مباحث مربوط به نظر اهل خبره به‌ویژه در باب اجتهاد و تقلید تاکید شده است. در علم اصول نیز در ذیل‌عنوان «حجیت قول لغوی» اصول و قواعد مربوط به نظر اهل خبره مورد توجه قرار گرفته است.

همان‌گونه که در فوق اشاره شد دلایل قرآنی و روایی در رجوع به نظر اهل خبره موسع است اما بطور مختصر با تاکید بر دو آیه از قرآن کریم به آن پرداخته می‌شود:

آیات و روایات

... فسئلو اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون: از اهل دانش سوال کنید اگر چیزی را که نمی‌دانید. ۶ قرآن کریم، سوره مبارکه نحل آیه ۴۳

... ومارسلناک قبلک الا رجلا نوحی الیهم فسئلو الیهم اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون: و پیش از تو نیز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم. اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتاب‌های آسمانی پرسید. (قرآن کریم، سوره مبارکه انبیاء آیه ۷)

رجوع به فردی که تحت نظر پیامبر اکرم (ص) فعالیت داشت و به تخمین بیع‌عریه، میوه درخت خرما در مقابل خرما می‌پرداخت. این فرد عبدا... بن رواحه نام داشت. تعیین قسام توسط امیرالمومنین علی علیه السلام از دیگر موارد رجوع به کاردان در زمان ایشان می‌توان نام برد. ایشان عبدا... یعنی حضرمی را جهت تعیین و تقسیم اموال مشاع میان مسلمین برگزیده بودند. (پور سید، کیخافرزانه، ۱۳۹۱، ۱۳۵)

از مثال‌های دیگری که می‌توان در صدر اسلام در رجوع به نظرات تخصصی و عالمانه اهل فن اشاره داشت این‌که خلفا به نظرات حضرت علی علیه‌السلام در قضاوت‌های شگفت‌انگیز ایشان بسیار توجه نموده تاجایی که خلیفه عمر نیز در این باره آورده است "لولا علی لهلک العمر" (غفاری، ۱۳۸۳، ۳۶) و درباره زن دیوانه‌ای که عمر امر به سنگسار او کرد و در مورد زنی که شش ماهه بچه‌اش به دنیا آمده بود عمر خواست که آنها را سنگسار کند پس حضرت علی (علیه السلام) به او گفت همانا خدای متعال می‌گوید: حمل زن و شیر دادنش سی ماه است ... و همچنین به او گفت: همانا خدا تکلیف را از دیوانه برداشته است.

در گذشته علی‌الخصوص مردم عرب زمانی که در انتساب فردی شک و یا شبهه‌ای حاصل داشتند به قیافه شناس و خبره آن مراجعه می‌کردند. در زمان امام رضا علیه السلام: زمانی که حتی بستگان امام (ع) نیز به ایشان درخصوص تفاوت رنگ با چهره امام جواد علیه السلام فرزند بزرگوار ایشان دچار شبه

شدند امام رضا (ع) موافقت کردند که این به تشخیص قیافه شناس واگذار شود. بستگان امام نیز این واگذاری را طبق عملکرد رسول خدا (ص) بیان داشته و مُصِر بر این اقدام شدند که نهایتاً با حضور کارشناسان چهره، تشخیص صحیحی از موضوع برای همگان هویدا شد. (پیشوایی، ۱۳۹۲، <http://aghigh.ir>، ۱۳۹۲/۰۲/۳۱)

در دین مسیح نیز اعتباری زیادی برای رجوع به اهل خیره قائل است برای مثال در کتاب عهد جدید آیه‌هایی از فصل هفتم انجیل متی این‌گونه ذکر شده که در هر کاری باید به اهل آن کار مراجعه نمود و نباید از نااهل توقعاتی داشت زیرا محصول هرچیزی متناسب با وضعیت همان چیز است و برای بدست آوردن نتایج نیکو برای هرکاری افرادی باید انتخاب شوند که لیاقت و صلاحیت آن کار را داشته باشند. (سرشار، ۱۳۲۱، ۱۱)

در آموزه‌های مترقی اسلام نیز، آن مقدار که از عقل ستایش شده، از کمتر مقوله‌ای تمجید گردیده و این ستایش به گونه‌ای است که به کاربرد و کارایی عقل و تأثیر آن در شناخت واقعیت‌های عالم هستی و تمیز درستی از نادرستی و نیز استنباط احکام شرعی نظر دارد زیرا به مقتضای برخی روایات، پیامبران و ائمه، که حجّت ظاهری خداوند بر بندگان هستند، عقول بشری نیز حجّت باطنی حضرت پروردگار هستند. در روایت صحیح و معروف هشام از امام کاظم (علیه السلام) نقل شده است که آن حضرت به ایشان فرمود یا هشام، انّ لله علی الناس حجّتين حجّه ظاهره و حجّه باطنه: فأما الظاهره فالرسول و الانبياء و الائمه و اما الباطنه فالعقول و در روایت دیگر از امام صادق (علیه السلام) قریب به همین مضمون نقل شده است که «حجّه الله علی العباد النبوی، و الحجّه فیما بین العباد و بین الله العقل» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۱، ۳۹۶، به نقل از حسینی، ۱۳۸۹، <http://www.hawzah.net>، ۱۳۸۹/۱۱/۲۱)

واژه «عقل» در لغت و عرف عام و فلسفه و اخلاق، معانی گوناگونی دارد که بررسی آنها از حوصله این بحث خارج است. اما یادآوری می‌شود که آنچه با این نوشته مناسبت دارد رجوع به اهل خیره و فن در زمانی است که شناخت نسبت به امری غیر قابل تشخیص وجود ندارد و به‌واسطه دلیل مستقل عقلی می‌تواند یک حکم شرعی اثبات شود مانند قاعده «ملازمه» یعنی «هر چیزی که عقل به قبح آن حکم کند، شارع هم به حرمتش حکم می‌کند. ارجاع امر به کارشناس نیز امری بلا شک و بنابر تاکید عقل و عقول برتر جامعه است. وقتی قاضی در زمان رسیدگی به جایی می‌رسد که دیگر توانایی‌های وی کمکی نمی‌تواند به او کند لاجرم بر طبق عقل اظهار نظر را به کاردان و خبره متخصص واگذار می‌نماید. در این صورت است که گره‌های بسته موضوع مکتوم با حضور خبره، چراغ هدایت قاضی شده و وی را از ورطه ناآگاهی‌های و به مسیر روشنایی رهنمون می‌سازد. استفاده از قوه عاقله از این روست که خداوند متعال به‌واسطه عقل امور انسان را به خود او واگذار می‌نماید. حضرت ختمی مرتبت صلی ... علیه و آله فرمودند: إنّما یدرک الخیر کله بالعقل و لا دین لمن لا عقل له: کسی که عقل ندارد (و یا آن که از این

موهبت الهی بهره‌برداری نمی‌کند، خواه غفلت و قصور ورزد و خواه دریافت‌های عقلی خود را اسیر شهوات قرار دهد) از دین نیز بی‌بهره نخواهد برد. همچنین است از مولا علی علیه‌السلام است که می‌فرماید: «العقلُ رسولُ الحقِّ». البته از عقل به‌عنوان رسول باطنی نیز نامبرده‌اند که پرداختن تا این حد به آن کافی به‌نظر می‌رسد. (تحف العقول؛ ص ۵۴ حدیث شماره ۱۴-<http://www.aviny.com>-۱۳۹۴/۲/۱۲)

مبانی معتبر بودن نظر کارشناس بند اول: علم قاضی

یکی از مواردی که قاضی را به علم می‌رساند حقیقتی است که توسط یک متخصص آشکار می‌شود به نحوی قاضی اقناع شده و موضوع را می‌پذیرد. پس این ملاک را در مبحث کارشناسی نسبت به سایر اسباب اعتباری دو چندان باید قائل بود، چرا که دیگر فرقی نمی‌کند که روشن‌گر حقیقت مرد باشد یا زن و یا حتی یک کافر یا ... چرا که مبنا در این مورد علم آوری نظریه کارشناس برای قاضی است. برخی از فقها نیز همین اعتقاد را دارند که ملاک در باب قضاوت علم حاکم شرع یا اقرار مجرم یا بینه معتبر است و امور مذکوره اگر موجب علم و اطمینان حاکم شوند یا در بین آنها بینه معتبره باشد مفید خواهند بود و الا فی‌نفسه اعتبار و حجیتی ندارد. یا اینکه رجوع به اهل خبره جزء ادله محسوب نشده و اگر قاضی بدین جهت علم پیدا کند می‌تواند طبق علم خود عمل نماید. (موحدی لنگرانی، ۱۳۸۳، ۴۲۴)

ولی برخی محققان اصول بر این ایده ایراد گرفته‌اند و اتفاق بر آن را در صورتی صادق می‌دانند که کارشناسی واجد شرایط شهادت بوده و الزاماتی نظیر اسلام، عدالت و تعدد در آن بروز نماید به نوعی این موضوع را بینه شرعی قلمداد کرده‌اند ضمن اینکه ایشان معتقدند از نظر حقوق اسلام قضاوت شرعی براساس دلایل شرعی امکان داشته و در این مورد به روایت شرعی از پیامبر اکرم (ص) استناد کرده‌اند: انما اقضی بینکم بالایمان و البینات: یعنی تنها به استناد سوگند و بینه میان شما قضاوت می‌کنم. (محمدی، ۱۳۸۵، ۲۸۶ و ۲۸۷)

مبحثی که در اینجا به‌نظر باید تفکیک نمود بحث حجیت بینه مبتنی بر حصول قطع و یقین است در حالی که حجیت نظر کارشناسی بر حدس استوار است.

علم قاضی در امور مدنی در مرحله بررسی دلایلیت دلیل به‌کار می‌رود؛ ولی پس از اثبات دلایلیت دلیل، دیگر مجالی برای عدم تمسک به ادله باقی نمی‌ماند و قاضی باید طبق دلیل قانونی رأی دهد. در امور کیفری، علم قاضی مبنای حکم است و خود دلیل متقن و مستقل برای اثبات حق به شمار می‌رود؛ یعنی علم قاضی هم برای ارزش‌گذاری به‌دلیل و هم در مرحله حکم به‌عنوان مبنا و مستند آن به‌کار می‌آید. مشروعیت دلیل بسته به میزان اطمینانی است که برای قاضی به وجود می‌آورد. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید. قاضی نمی‌تواند بر مبنای بینه‌ای که مخالف علم اوست رأی دهد. گروه بسیاری

تصریح کرده‌اند که علم قاضی از هر طریقی که حاصل شده باشد و منشاء آن هر چه باشد حجت است. عده‌ای هم به‌طور ویژه علم حاصل از نظر اهل خبره را مورد توجه قرار داده و معتبر شناخته‌اند. شیخ طوسی حاکم را مجاز دانسته که به علم خود قضاوت کند و در تمام احکام اعم از اموال و حدود و قصاص و غیر آن مانند حق الله و یا حق الناس حکم صادر نماید. (حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ۶۵)

به‌نظر می‌رسد علت اهمیت قضاوت قاضی بر علم خود این باشد که در این خصوص قید و منثائی برای علم قاضی ذکر نشده ضمن اینکه باید مبنای علم قاضی مشخص شود که حسی است یا قریب به حس است والا اگر بر مبنای مبادی حسی باشد در حقوق ما غیر قابل پذیرش است. در دیوان عالی کشور نیز آرای که به استناد علم قاضی رای صادر شده لیکن بدون ذکر مستندات و یا نقصان در اسباب مبنایی صدور رای بوده مورد تایید قرار نگرفته و نقض شده‌اند. (بازگیر، ۱۳۷۵، ۱۲۲ و ۱۲۵)

شایان ذکر است که توجه قانون‌گذار در بحث استناد قاضی به علم خود میان قوانین کیفری و حقوقی با نگاه‌های متفاوت‌تری نظر داشته است. چرا که حفظ نظم عمومی در قوانین کیفری ملاک توجه قرار گرفته در حالی که در مسایل حقوقی مبنای علم قاضی با توجه به ماده ۱۳۳۵ قانون مدنی به‌طور محدود عنوان شده که برای معتبر بودن بایستی بر مبنای اسناد و امارات باشد لیکن در حقوق کیفری در صورت ظن و داشتن قرائن و امارات (مکالمات ضبط شده - وجود فیلم و عکس و یا استفاده از روش‌های نوین علم پزشکی و ...) قاضی می‌تواند به علم خود حکم صادر کند. مواد ۱۶۰ و ۱۶۲ و ۱۷۶ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موید مطالب مذکور است. آیه الله سبحانی از مراجع عظام تقلید معتقدند «در صورتی که بر این قرائن و شواهد و شهادت کارشناسی که عدالت و صداقت آنان محرز است اعتماد نشود در زمین فساد توسعه می‌یابد و باب قضا در زمان بسته می‌شود» (سبحانی، ۱۳۷۶، ۲۲۳ و ۲۲۴، نقل از حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ۶۸)

جایگاه کارشناسی در ساختار ادله اثبات در نظام حقوقی اسلام در سایه علم قاضی قرار دارد و جزء امارات و قرائن قطعیه و علم آور برای قاضی است.

بند دوم: خبر واحد

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شده در بین ادله اثباتی جرم در فقه، تأسی از نظر کارشناس (نظر اهل خبره) دیده نمی‌شود هرچند به‌عنوان قرائن اهمیت داشته؛ اما بر اثر پیشرفت‌های علمی و فناوریانه بشر، امروزه قدرت اثباتی ادله علمی و نظر کارشناس تا حد زیادی اطمینان بخش شده است. درواقع می‌توان گفت قدرت اثباتی ادله علمی به‌ویژه نظر اهل خبره اگر بیشتر از ادله سنتی هم‌چون اقرار و شهادت نباشد کمتر نخواهد بود. هرچند احتمال خطا در همه ادله اثباتی وجود دارد؛ ولی به این احتمال بعد از بررسی ادله براساس نظام ادله معنوی و احراز حجیت آن به‌وسیله قاضی اعتنا نمی‌شود. (حسینی‌خواه، ۱۳۹۲، ۱۸۹)

حجیت خبر واحد دو قسم است:

- ۱- قیاس اولویت: بدین قرار که همان‌طوری که به‌واسطه اخبار واحد احکام شرعیه ثابت می‌شود در موضوعات متفرقه نیز به طریق اولی ثابت خواهد شد.
- ۲- بنای عقلا از جمله ادله محکم و متقن برای حجیت خبر واحد در موضوعات است به‌طوری که عقلاً اعتماد می‌کنند به اخبار واحد و موثق در امور زندگی خود و بنای عقلانی بودن مورد اعتماد شارع قرار گرفته است. (حسینی، ۱۳۸۰، ۱۵۹)

بند سوم: گواهی

اگر اعتبار و حجیت گزارش کارشناسی را از باب شهادت و بینه بررسی کنیم بایستی تمامی شرایط یک شاهد برای آن در نظر گرفته شده و در این صورت کارشناس هم شاهد تلقی می‌شود. در خصوص شباهت نظر کارشناس با شهادت یا گواهی اظهار نظرها بسیاری شده و بعضاً تفاوتی برای آن قایل نشده‌اند. برای این بحث باید گفت که میان این دو تفاوت اساسی وجود دارد. مبنای شهادت همان‌گونه که هست شهود و حضور است یعنی شاهد ناظر عمل به وقوع پیوسته است در حالی که کارشناس نظر خود را بر پایه تحقیقات و علم مکتبسه خود بنا می‌کند. به بیان دیگر اظهار نظر شاهد حسی بوده و اظهار نظر کارشناس حدسی است. لذا اعتبار شهادت، اهمیت بیشتر برای قضا دارد. دعاوی مربوط به حدود نمی‌تواند بر پایه اقدام و نظر کارشناس بیان گردد لذا برای آن ضوابط شرعی ذکر شده است. برای مثال در اثبات زنا حتماً ۴ نفر مرد عادل بایستی طبق قانون و شرع شهادت بدهند و این‌گونه موضوعات از طرق کارشناسی اثبات نخواهد شد هر چند در کشورهای غربی به‌نحو مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً کاربرد DNA در آمریکا و استفاده از آن در اثبات جرایم جنسی بسیار مفید واقع شده است. (www.rainn.org/get-information/aftermath-of-sexual-assault-importance-of-dna) (۱۳۹۴/۰۴/۱۵)

«DNA مواد موجود در سلول‌هایی را که ویژگی‌هایی مانند چشم، مو، و رنگ پوست را تعیین می‌کند. DNA هر فرد متفاوت بوده اما برای برای دوقلوها یکسان نیست. این به این معنی است که DNA می‌تواند وسیله‌ای با دقت باشد. DNA را می‌توان از خون، بزاق، عرق، ادرار، بافت پوست، و مایع منی جمع‌آوری نمود.»

از استفاده‌های دیگری که کارشناسی دارد در کشف جرایم و ضرر و زیان‌هایی است که در مشاجرات مورد ادعا قرار می‌گیرد. برای مثال: شاهدی می‌گوید فلان فرد سم را در حوضچه پرورش دیگری ریخت ولی کارشناس پس از کالبد شکافی ماهیان می‌گوید ماهی‌ها در اثر سم مرده‌اند یا نوع سمی که موجب مرگ ماهیان شده است با نوع سمی که در مزرعه مجاور برای دفع موش‌های صحرائی استفاده شده یکسان بوده است. با این احتساب نظر کارشناس مستقیماً مبنای حکم دادگاه نمی‌تواند قرار بگیرد

ولی اگر این نظر برای قاضی ایجاد علم کند حتماً بایستی به عنوان یکی از قرائن علم‌آور در رای ذکر شود. (پور سید، کیخافرزانه، ۱۳۸۰، ۱۳۹۱)

استفاده از کارشناس در جلوگیری از هزینه‌های نامتعارف دادرسی و پیشبرد اهداف سازمانی و فردی

معمولاً پرونده‌هایی به کارشناسی ارجاع می‌شود که به دلیل تخصصی بودن و پیچیدگی آن، قاضی توان صدور یک حکم مطبق با حقیقت را ندارد. زندگی ماشینی و عصر ارتباطات و فناوری مسایل حرفه‌ای را مطرح می‌سازد که حل آنها نیاز به تخصص دارد. تحلیل این مسایل پیچیده‌ای که یافتن راه حل آنها از عهده دادرس خارج است روز به روز بیشتر می‌شود از این رو بسیاری از دعاوی‌ای که در دادگاه‌ها مطرح می‌شود، دارای جنبه فنی و تخصصی است که دانش قضایی دادرس محدود به قوانین شکلی و ماهوی موجد حق نمی‌تواند به تنهایی پاسخگوی مجهولات در این زمینه باشد. این گونه دعاوی که واجد جنبه فنی و تخصصی است، به دلیل ارتباط با مسایل مادی بعضاً ارزش زیادی دارند و ارجاع به متخصص می‌تواند منافع مالی مذکور را به صاحب حقیقی آن و نهایتاً اجرای عدالت رهنمون سازد ضمن اینکه از هزینه‌های اثبات دعوا که به اطلاع دادرسی بی‌مورد ممکن است نائل شود جلوگیری خواهد شد به تعبیر دیگر هزینه‌ای است برای کسب منافع در آینده.

استفاده از کارشناس در تسریع رسیدگی‌های قضایی

اغلب موضوعاتی که در دستگاه قضایی وارد می‌شوند دارای پیچیدگی خاصی هستند و اگر به موقع تشخیص داده نشوند به فرآیند دادرسی طولانی منجر خواهد شد. از این رو رجوع به کارشناسان و خبرگان جهت انجام تحقیقات و کشف واقعیت در موضوعات ترافیعی و قضایی و نیز بحث از شرایط علمی و اخلاقی و مناط اعتبار بودن گزارش آنان از ضروریات است و ارایه آن به موقع قطعاً به تسریع رسیدگی و رضایت طرفین دعوا می‌انجامد مانند: ارزیابی و تعیین میزان خسارات ناشی از تصادفات و سائت نقلیه، تشخیص اصالت خودرو و دست کوبی شماره‌های موتور و شاسی، ارزیابی نفقه، ارزیابی و تعیین ارزش اموال منقول و... که می‌بایست توسط کارشناسان و اربابان فن معلوم گردد تا اینکه دادرس با حصول شرایط دیگر نسبت به رسیدگی و صدور حکم قضیه اقدام ننماید. موضوع مجهول با تشخیص کارشناس معلوم و جهات تاریک و ابهام آن برطرف و چهره واقعی آن نمایان می‌شود. در واقع کارشناس، موضوع شناسی و دادرس، حکم یابی می‌کند و حکم واقعه را با حصول شرایط دیگر بر موضوع حمل می‌کند از این رو که دادرس تبعیت از موضوع شناسی کارشناس می‌کند اهمیت آن روشن می‌شود. (سورانی، ۱۳۹۳ نقل از <http://vekalat.org/print.php?cat=2&new>)

(۱۳۹۳/۰۳/۰۴ -snum=2541980)

طریقت یا موضوعیت کارشناسی

موضوعیت یعنی ملاک عمل گرفتن هدف و طریقت یعنی رسیدن به هدف با هر وسیله. در حقیقت طریقت راه رسیدن به موضوع است و در این باره مهم نیست با چه وسیله‌ای به هدف نائل می‌شود. اصل طریقت در پی شناساندن روش راه و اسلوب‌های رفتاری است و فی‌نفسه ارزش چندانی ندارند اما به سبب مقصودی که پیروی می‌کنند دارای ارزش هستند اما اصل موضوعیت، در سبب اثبات موضوع است و اشیاء فی‌نفسه دارای اعتبار هستند و یا موضوع به تنهایی محور تصمیم‌گیری قرار دارد. در خصوص طریقت یا موضوعیت کارشناسی هم باید گفت چون روش رسیدن به نتیجه اقناعی است پس این تاسیس حقوقی نیز طریقت داشته و فی‌نفسه خود دارای اعتبار نیست بلکه به اعتبار فعالیت‌های تخصصی و تجربی خبره وسیله‌ای برای رسیدن به واقعیت‌اند.

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز معتقد است که نظریه کارشناس رسمی برای دادگاه جنبه طریقت داشته و چنانچه با اوضاع و احوال مغایرتی نداشته باشد مورد پذیرش قاضی است.

نظریه شماره ۷/۳۶۱۴ مورخه ۱۳۸۸/۶/۱۴ اداره حقوقی قوه قضائیه: «کارشناسی به‌عنوان یکی از دلایل برای قاضی طریقت دارد، بنابراین اگر نظر کارشناس با اوضاع و احوال مسلم قضیه مغایرت و مابینت نداشته باشد قابل ترتیب اثر است و اصولاً تشخیص صحت اظهار نظر کارشناس به‌عهدده مقام قضایی است و اعتراض به نظر کارشناس یا هیأت کارشناسی وقتی قابل ترتیب اثر است که مبتنی بر ایراد و اشکال موجه باشد و در این صورت موضوع به کارشناسان دیگر ارجاع می‌شود. اما چنانچه اعتراض به نظریه کارشناس کلی و بدون ذکر علت موجه باشد و نظریه کارشناس فاقد ایراد و با اوضاع و احوال مسلم قضیه هم مغایرت نداشته باشد، اعتراض به نظریه کارشناس قابل ترتیب اثر نیست و قانوناً موجهی برای ارجاع به هیأت‌های بعدی کارشناسی به جهت این اعتراض نیست.»

(محمدی، ۱۳۹۲ نقل از WWW.NASERMOHAMADI.BLOGFA.COM/POST/2 - (۱۳۹۴/۰۸/۱۲)

دکتر لنگرودی نیز در اعتبار نظریه کارشناسی در طریقت و موضوعیت این گونه بیان می‌دارند که «در فقه طریق، وسیله رسیدن به هدف و مقصد است پس اگر کسی از بیراهه به مقصد برسد اشکالی نیست و مکلف نباید حتماً از راه معین به مقصد برسد. در اصطلاح این کلمه را در موردی بکار می‌برند که یک عمل حقوقی مطابق با غرض و هدف مقنن صورت گرفته است. در مقابل این گفته موضوعیت به‌کار می‌رود یعنی هر یک از این خصوصیات از نظر هدف مقنن آن قانون قابل اغماض عین نباشد و آن خصوصیات قانونی مدنظر قرار گیرد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، ۴۲۹)

تشابه کارشناس با شاهد

در حقوق ایران کارشناس با شاهد مفهومی متفاوت دارند برخلاف کشورهای اروپایی، در این کشورها

کارشناسی که با بررسی به درک یک حقیقت علمی می‌پردازد و سیستم‌های حقوقی ایشان این نظر را به‌عنوان یک شاهد تلقی می‌کنند. در سیستم حقوقی ما تعریفی که از مفهوم شهادت و شاهد وجود دارد متفاوت است. شهادت اخبار از وقوع یک امر است و شاهد هرچند به درک واقعیت می‌پردازد لیکن الزاماً به درک حقیقت ممکن است نائل نگردد.

در فقه شهادت عبارت است از اخبار به وقوع امری محسوس با یکی از حواس پنج‌گانه و اگر این اخبار به نحوی به‌نفع دیگری باشد آن را اقرار می‌گویند. در فقه غالباً شرط می‌کنند که مشهود باید از مبصرات یا مسموعات باشد مانند عقد و ایقاع که شنیدنی است و قتل و دزدی که دیدنی است. (همان منبع، ۱۳۸۳، ۳۹۷ و کاتوزیان، ۱۴۰۱۳۸۵)

در انگلستان و آمریکا نیز از متخصص به‌عنوان یک کارشناس یا متخصص شاهد نام می‌برند. (expert witness) و آژدهای بکار رفته در انگلستان و ایالات متحده، پاورقی^۱ در انگلستان و ولز، با توجه به قوانین دادرسی مدنی ۱۹۹۸ (cpr)، که به اظهار نظر یک شاهد متخصص نیاز می‌شود، بطور مستقل و یا توسط طرفین دعوی بصورت توافقی، بخصوص در مواردی که اختلافات کوچک هستند، بکار گرفته می‌شود.

در ایالات متحده نیز با توجه به قوانین فدرال مواد ۷۰۲ به بعد (fire) یک شاهد متخصص باید در موضوعی که فعالیت دارد واجد صلاحیت‌های لازم باشد. (برای مثال) در تعیین صلاحیت کارشناس آموزش و پرورش؛ تجربه عملی و آموزش در موضوع پرونده اهمیت ویژه‌ای دارد. شهادت متخصص باید بر روی حقایق مبتنی بر شواهد ارایه گردد، همچنین باید به یک نتیجه‌گیری در خصوص ارایه علت و یا همبستگی از شواهد به دادرس را اعلام کند.

جالب این است که برخلاف قانون، نظر مشهور فقها این است که کارشناسی به‌عنوان شهادت مطرح شده است. مرحوم کاتوزیان به نقل از صاحب جواهر در خصوص مترجم عنوان می‌کند که ترجمه از قرائن ظنی بوده و احتمال می‌دهد که نه وصف عدالت و نه تعدد در آن ضروری است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۳۲۲) برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله رابطه کارشناسی و شهادت در فقه و حقوق، (۱۳۸۴)، مجله حقوق اسلامی، شماره ۴، <http://www.ensani.ir/fa/content/66098/default.aspx> - ۱۳۹۳/۰۵/۰۲

1: In England and Wales , under the Civil Procedure Rules 1998(CPR), an expert witness is required to be independent and address his or her expert report to the court. A witness may be jointly instructed by both sides if the parties agree to this, especially in cases where the liability is relatively small.

1: In the United States , under the Federal Rule of Evidence 702 (FRE), an expert witness must be qualified on the topic of testimony. In determining the qualifications of the expert, the FRE requires the expert have specialized education, training, or practical experience in the subject matter relating to the case. The expert's testimony must be based on facts in evidence, and should offer opinion about the causation or correlation to the evidence in drawing a conclusion.

کارشناس همانند شاهد اطلاعات خود را درباره موضوع تحقیق بیان کرده و دادگاه با اعتمادی که به وی دارد و با توجه به صلاحیت‌های اخلاقی و علمی، گفته‌های او را به‌عنوان اماره‌های اثباتی می‌پذیرد. مرحوم کاتوزیان در باره تفاوت کارشناس شاهد با شهادت گواهان این‌گونه بیان می‌کنند: «کارشناس به دلیل تخصص در رشته علمی یا فنی یا داشتن تجربه و ممارست شغلی آگاهی ویژه‌ای دارد که در دسترس مردم عادی نیست به همین دلیل قانون برای شهادت این گواه متخصص آثار و تشریفات خاص معین کرده است. در واقع کارشناس مشاور دادگاه در تمییز حق است. در حالی که شاهد ماده خامی از واقع را در اختیار قاضی قرار می‌دهد تا خود به تامل آنچه را نیاز دارد استنباط نماید به بیان دقیق‌تر درجه استنباط کارشناس در بیان آنچه می‌گوید به مراتب بیش از نتیجه‌گیری‌های متعارف گواهان عادی است.» (همان منبع، ۱۳۸۲، ۳۲۰)

به بیان دیگر حتی ممکن است نظری که یک کارشناس و متخصص می‌دهد دقیق‌تر بوده و مرجح بر نظر گواهان باشد. علت ارجحیت باید تفاوت در فهم کارشناس و شاهد را در حقیقت می‌باشد. در حقوق انگلستان نیز همین معیار رعایت می‌شود. برای مثال سالاکو سلیمان نویسنده کتاب مدارک و شواهد، اثبات و عدالت معتقد است که شهادتی را که توسط کارشناسان به دادگاه ارائه می‌شود باید به‌عنوان اسناد مستقل و کاملاً خالی از ساخته و پرداخته ذهن ایشان باشد. و یا در مطالب جداگانه‌ای دیگر معتقد است در مساعدت و کمک‌های مستقلانه یک کارشناس؛ بی‌غرض بودن نظرات آنها باید به صورت کاملاً عینی توسط دادگاهی که متخصص شهادت می‌دهد ثابت شود. Salako E Solomon در ادامه می‌گوید شهادت کارشناس در دادگاه عالی به‌عنوان دفاع از پرونده نباید فرض شود، چرا که واقعیت‌ها یا فروض مغرضانه باید مبتنی بر اسناد و واقعیت باشد. کارشناس شاهد اگر تشخیص دهد سوالی خارج از تخصص اوست باید این موضوع را به صراحت مطرح کند.^۱ (Salako, 2010)،

www.bookboon.com

با عنایت به موارد فوق می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که:

در کارشناسی، برای اعلام نظر فنی، در اموری که تشخیص آن نیاز به دانش و تخصص دارد، مسئله به کارشناس ارجاع داده می‌شود. و کارشناس با انجام بررسی‌های لازم، نظر و استنباط خود را اعلام می‌کند. اما در گواهی، در مورد موضوعات مورد ادعا، یکی از طرفین، فردی را که موضوع دعوی را با یکی از حواس ظاهری خود مانند چشم یا گوش، درک کرده و از این طریق علم به آن دارد در دادگاه حاضر می‌کند تا آن چه را دیده یا شنیده است برای دادگاه بازگو کند. بنابراین در گواهی، موضوع جنبه

1. Solomon E. Salako
Legal Philosophy and the Provable in English Courts-Evidence, Proof and Justice
(www.bookboon.com) -41- Denmark Ventus Publishing, 2010

تخصصی ندارد و شاهد بر اساس استنباط و استنتاج نظر نمی‌دهد، بلکه آن چه را که با حواس خود درک کرده و به آن یقین دارد، برای دادگاه بیان می‌کند. (محمدی، ۱۳۸۵، ۲۷۸)

کارشناس در زمان وقوع موضوع حضور نداشته لذا آن را با حواس خود درک نمی‌کند و براساس ادله و مدارکی که در اختیار او قرار می‌گیرد به تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری داده‌ها می‌پردازد. اما شاهد در لحظه حادث شدن موضوع حضور داشته و واقعه را با حواس خود درک کرده است.

کارشناس، ممکن است توسط قاضی انتخاب شود یا نشود ولی شاهد از طرف دادگاه تعیین نمی‌شود، بلکه کسی که در محل وقوع حادثه حضور داشته و آن را با حواس خود درک کرده لذا دارای وصف شاهد شده است.

کارشناس پس از اقامه دعوی در دادگاه و انتخاب او از طرف قاضی، به بررسی موضوع ارجاع شده می‌پردازد؛ بنابراین درک او نسبت به موضوع، پس از اقامه دعوی و انتخاب او از طرف دادگاه جهت کارشناسی می‌باشد. اما درک شاهد نسبت به واقعه، پیش از اقامه دعوی و به هنگام وقوع آن است. بنابراین شاهد ابتدا واقعه را با حواس خود درک کرده سپس، بعد از این که دعوی در دادگاه مطرح شد، برای ادای شهادت در دادگاه حاضر می‌شود. علاوه بر این که درک کارشناس نسبت به موضوع کارشناسی، به دستور دادگاه و به‌منظور اعلام نظر به دادگاه است، ولی درک شاهد نسبت به واقعه چه‌بسا به منظور ادای شهادت در دادگاه نیست. (ربیع، ۱۹۹۹، ۱۳۳ به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۸۸، ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۴)

ضمانت اجرا در شهادت و کارشناسی کذب

در صورتی که شاهد گواهی کذب دهد مرتکب جرم شده در حالی که کارشناس رسمی در بحث عدم صداقت در گفتار مشمول ماده ۳۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری خواهد شد: هرگاه کارشناس رسمی با سوء نیت ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی برخلاف واقع چیزی بنویسد و یا در اظهار عقیده کتبی خود راجع به امر کیفری و یا حقوقی تمام موقوف را ذکر نکند و یا برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌گردد و همچنین هرگاه کارشناس رسمی در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوء نیت تغییر بدهد به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و اگر گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناس رسمی در حکم دادگاه مؤثر واقع شده باشد کارشناس مذکور به حداکثر مجازات تعیین‌شده محکوم خواهد شد. حکم یاد شده در مورد خبرگان محلی نیز لازم‌الرعایه می‌باشد. ملاحظه می‌گردد شهادت دروغ جرم گواهی کذب داشته و از نوع تعریفی که برای کارشناسی رسمی انجام شده نیست و اصلاً قابل قیاس با هم نیستند.

ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی سابق اذعان داشت که مجازات شهادت دروغ سه ماه تا دو سال حبس و یا یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون جزای نقدی در نظر گرفته بود. همچنین ماده ۲۰۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری سابق نیز مقرر داشته بود، در

مواردی که دادگاه از شهود مطلعین درخواست ادای شهادت و یا اطلاع کند و بعد معلوم شود که خلاف واقع شهادت داده‌اند اعم از این که به نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوا باشد علاوه بر مجازات شهادت دروغ چنانچه شهادت خلاف واقع آنان موجب وارد آمدن خسارتی شده باشد به تأدیه آن نیز محکوم خواهند شد. شهادت دروغ موجب بطلان حکم است و هر حکمی که بر این اساس صادر شود بلااثر است اگر محکوم به موجود باشد مسترد می‌شود و اگر ممکن نباشد باید شهودی که شهادت کذب داده‌اند غرامت (خسارت) را بپردازند.

کارشناسی و قضاوت

همان‌گونه که در بالا به آن اشاره شد کارشناسی علاوه بر شباهت به شهادت شباهتی هم با قضاوت دارد بدین نحو که کارشناس همانند قاضی برای فصل خصومت با توجه به تخصص خود اظهار نظر می‌کند به تعبیری رای صادر می‌کند. قاضی هم یک کارشناس است اما در حوزه حقوقی و قضایی، یعنی سیستم قضایی باتوجه به کاردان بودن و توانایی یک فرد در زمینه حقوقی به وی اعطای منصب قضاوت می‌کند و وی را امین خود معرفی می‌کند. پس قاضی نیز از اقسام کارشناسان می‌تواند به حساب آورد که تخصص و دانش او در حوزه احکام است نه در موضوعات. در قبال شباهت‌سازی اندکی که بین کارشناسی و قضاوت وجود دارد، تفاوت‌های بسیاری بین آن دو موجود است که آن دو را از هم متمایز می‌سازد. برخی از این تفاوت‌ها از این قرار است: کارشناسی محدود به امور موضوعی است و امور حکمی را نمی‌تواند به کارشناس محول کرد، اما قاضی علاوه بر اینکه مسائل موضوعی را بررسی می‌کند، به تعیین حکم آن می‌پردازد. در امور موضوعی در صورتی که نیاز باشد قاضی می‌تواند از کارشناس کمک بگیرد، ولی تعیین حکم وظیفه قاضی است و قاضی خود کارشناس امور حکمی است. (میرزایی، ۱۳۹۱، به نقل از <http://farsnews.com> - ۱۳۹۱/۰۴/۲۱)

البته کارشناس فقط در دعاوی که انتخاب می‌شود صلاحیت اظهار نظر پیدا می‌کند و حجیت نظر وی توسط قاضی تشخیص داده می‌شود ضمن اینکه می‌تواند نظر او را بپذیرد یا نپذیرد. (ماده ۲۶۵ آ.م)

ارجحیت استفاده از کارشناسان رسمی دادگستری در رویه قضایی

بنابر اعلام مقامات قضایی کشور ما ۳۰ تا ۴۰ درصد از پرونده‌های مطروحه در محاکم قضایی در مسیر رسیدگی نیازمند اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی به‌عنوان یک مرجع مورد اعتماد در کشور هستند. با توجه به این نکته که ادله و کشف واقعیت و امور جنایی بسیار اهمیت دارد لذا این دلایل هرچند متقن‌تر باشد قاضی می‌تواند به تشخیص حقیقت و صدور حکم بپردازد. برای مثال وجود پزشکی قانونی و کارشناسان متعهد و متخصص آن خواهد توانست به سیستم قضایی کمک شایانی خواهد کرد. که با اطمینان و آسودگی بیشتر به کشف حقیقت و جرم پرداخته شود. (طاهری، ۱۳۹۰، ۳)

لذا پیداست که یک پزشک قانونی؛ به‌عنوان یک متخصص و کارشناس حرفه‌ای که توسط یک ساختار مطمئن سازماندهی شده ابهامات و تاریکی‌های ذهن قاضی را به روشنایی منتج کرده و ناهمواری‌های تصمیم‌گیری وی را مرتفع خواهد کرد. واضح است که قضات بیشتر از آنچه که به این سازمان و ساختار تشکیلاتی آن اطمینان دارند به سایر پزشکان متخصص ممکن است نداشته باشند. هرچند شاید نظر یک کارشناس پزشکی قانونی الزامی برای قاضی ایجاد نمی‌کند اما به همان علت ساختاری که توسط قوه قضاییه تشکیل شده و نظارت و ارزیابی با بهره‌گیری از علوم و فنون روز دنیا به ارایه نظرات خود می‌پردازند اعتماد می‌کنند. اگر قاضی موضوعی را به پزشک قانونی واگذار نماید وی بایستی به آن توجه کرده و نظر خود را ارایه نماید. ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی صراحت دارد که پزشک اصولاً براساس آنچه که قاضی از او می‌خواهد باید اقدام نماید. تبصره یک همین ماده نیز مقرر می‌دارد که اظهارات پزشکی قانونی باید مستدل و روشن و متضمن شرح مشهودات و معاینات و مبتنی بر مدارک و ملاحظات علمی و آزمایشگاهی و با استفاده از روش‌های جدید و نتیجه‌گیری کافی باشد. به‌نظر می‌رسد این قانون را بتوان به‌عنوان یک قاعده کلی مدنظر قرارداد که کلیه کارشناسان رسمی باید به آن پایبند باشند. ضمن اینکه این ماده شرایط پذیرش نظری را که می‌خواهد ابهامات قاضی را برطرف سازد تشریح می‌کند و متخلفین به سرپیچی از عدم انجام دستورات قضایی را به مجازات ظالمتین متخلف از دستور محکوم می‌نماید.

به کرات اتفاق افتاده است که با حضور کارشناس زبده مرکز پزشکی قانونی در صحنه جرم و بررسی دقیق و علمی آن نه تنها در کشف جرم تسریع شده بلکه با دقت و ظرافت خاصی جرم واقع شده کشف شده است.

ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ اذعان می‌داشت قاضی تا زمان حضور پزشک اقدامات لازم را برای حفظ جسد، کشف هویت متوفی و چگونگی فوت و... را به عمل می‌آورد. در ماده ۴۰ قانون مذکور نیز تأکید داشت که دادرسان و قضات تحقیق مکلفند اقدامات فوری برای جلوگیری از امحای جرم و آثار و علائم به‌عمل آورند و در تحقیق و جمع‌آوری اسباب و دلایل جرم را به‌هیچ‌وجه به تأخیر نیندازد. تصور کنید قاضی بخواهد این فرایند را به یک کارشناس و پزشک غیر از مرکز پزشکی قانونی محول نماید. پر واضح است که تبعات آن قطعاً به اطاله دادرسی منتج خواهد شد. حضور در صحنه جرم، ثبت و شناخت پدیده‌های مجرمانه و حفظ آثار و دلایل مادی جرم دقت، سرعت رسیدگی به امور کیفری را افزایش می‌دهد و از بروز اشتباهات قضایی جلوگیری کرده و مراجع قضایی را به‌عنوان یک پشتوانه محکم و استوار در اذهان عمومی ثبت خواهد کرد. تجربه ثابت کرده است که اولین کسانی که در صحنه جرم بازدید کرده‌اند به اشتباه جریانی را قتل عمد دانسته‌اند در حالی که با حضور متخصصان مورد اعتماد در صحنه جرم و حفظ آثار آن ثابت شده که موضوع یک مرگ عادی بیش نیست. البته ضریب خطای حداقلی نیز وجود دارد که قابل اغماض است. (جعفرزاده، ۱۳۹۲، ۳۷)

نتیجه این مبحث این است که چنانچه جمع‌آوری ادله و مدارک و ارایه نظر عالمانه به موقع توسط یک متخصص مورد اعتماد صورت نپذیرد مشکلات عدیده‌ای را بر سر راه قضاوت‌های عادلانه پدیدار خواهد شد.

استفاده از کارشناسان رسمی در آیینہ قوانین و مقررات

ارجاع امر تخصصی به کارشناسی در محاکم در فصل خصومت بین متخاصمین و یا طرفین دعوا بسیار مهم است چرا که رعایت دقیق صحیح و بلا اغماض و بدون استثناء آن موجب احقاق حق و نهایتاً گامی در اجرای عدالت است. و اگر این مهم محقق نگردد متخاصمین تا ابد دشمن خواهند بود. تا زمانی که قاضی علمی بر موضوع ندارد می‌تواند بوسیله یک اهل فن به فصل خصومت بپردازد چرا که گفته‌اند قاضی جاهل بین عالمین است. (واحدی، ۱۳۸۴، ۱۸)

با ارجاع موضوعات به کارشناسان متبحر و اهل فن قاعده بی‌طرفی نیز که سبب حفظ حقوق فردی می‌باشد می‌کند. انتخاب ارزیاب، کارشناس، خبره و... توسط طرفین در واقع پذیرش داوری شخص معین در تعیین قیمت یک مال و ارزش گذاری و نشان از یک خدمت منطبق با واقعیت فنی و تخصصی است. بنابراین در ابتدای امر توجهی به رسمی یا معتبر بودن متخصص نیست. در موارد مشابه قانون‌گذار نیز انتخاب کارشناس غیررسمی را تجویز کرده است. طبق ماده ۲۶۸ آیین دادرسی مدنی طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می‌شود می‌توانند قبل از اقدام کارشناسی، کارشناس یا کارشناسان دیگری با تراضی به دادگاه معرفی کنند. در این صورت کارشناس مرضی‌الطرفین بجای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناس اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می‌شود ممکن است غیررسمی باشد چنین برگزیده‌ای را اگر تراضی بر قبول نظریه کارشناسی هم باشد مصدق نیز می‌گوید و اثر مهم مترتب بر آن این است که این اقدام حقوقی چهره قراردادی پیدا می‌کند و طبق اصل الزام‌آور بودن قراردادهای تغییر چنین کارشناسی جز به تراضی امکان ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۳۲۷)

برخی از حقوقدانان معتقدند که مستفاد از مواد قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری سابق برای انتخاب کارشناس منتخب تنها وثاقت مناط اعتبار بوده و شرایط دیگری نیاز نیست. در ماده ۷۴ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ هم مقرر می‌دارد: ارزیاب به تراضی طرفین معین می‌شود. (حسینی، ۱۳۸۰، ۱۵۲)

در صورت عدم تراضی یا عدم حضور محکوم علیه دادورز (مأمور اجرا) از بین کارشناسان رسمی و در صورت نبودن کارشناس رسمی از بین اشخاص معتمد و خبره ارزیاب معین می‌کند و هر گاه در حین توقیف به ارزیاب دسترسی نباشد قیمتی که محکوم‌له تعیین کرده برای توقیف مال ملاک عمل قرار

خواهد بود. در این صورت دادورز (مأمور اجرا) به قید فوریت نسبت به تعیین ارزیاب و تقویم مال اقدام خواهد کرد. (مهجری، ۲۹۱، ۱۳۸۳)

برخی از حقوقدانان نیز معتقدند چون در این ماده قید رسمی ارزیاب و کارشناس ذکر نشده پس دست قاضی برای انتخاب کارشناس رسمی و غیررسمی باز است و اگرچه در ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۸ شهبه‌ای در این زمینه داشت لکن با وضع قانون جدید در این زمینه، این تردید نیز برداشته شده چون به صراحت قانون‌گذار منعی نکرده است. (حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ۱۵۷)

جهت مزید اطمینان اشاره به نظریه‌ای که اداره حقوق قوه قضاییه در سال ۱۳۷۶ به آن اشاره دارد خالی از لطف نخواهد بود:

نظریه شماره ۷/۷۹۰۸ مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۰: دادگاه‌ها علاوه بر کارشناسان رسمی، می‌توانند از کارشناسان غیررسمی نیز انتخاب کنند.

سؤال: با توجه به ماده ۱ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷/۱۱/۲۳ به شرح بین‌الهلالین (ماده اول - در حوزه‌هایی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند هر وقت رجوع به کارشناس لازم باشد دادگاه‌ها و پارک‌ها و هر مقام رسمی دیگر باید منحصرأً از بین کارشناسان رسمی انتخاب کنند) آیا در شهرستان‌ها و جاهایی که کارشناس رسمی وجود ندارد می‌توان از کارشناس غیررسمی استفاده کرد؟

نظریه اداره کل حقوقی قوه قضائیه: ماده ۱ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ در خصوص انحصاری بودن انتخاب کارشناس از بین کارشناسان رسمی به‌موجب مادتين ۱۳ و ۱۴ قانون بازسازی کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۶۵ نسخ شده است و اثر این نسخ هر چند مدت قانون بازسازی سال ۱۳۶۵ منقضی شده، به قوت خود باقی است. بنابراین در هر حوزه قضائی دادگاه‌ها می‌توانند از بین کارشناسان رسمی و غیررسمی هر کس را که صالح و مناسب می‌دانند برای انجام امر کارشناسی انتخاب کنند. (زرعت، ۱۳۸۶، ۵۷۹)

اما به‌نظر می‌رسد بتوان به این نظر ایراداتی وارد کرد:

- با توجه به نص صریح ماده ۱۸ و ۴۱ قانون کارشناسان مصوب ۱۳۸۱ و همچنین موخر بودن این قانون خاص بر قانون عام اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مجلس شورا بوده لذا در این خصوص با توجه به نص خاص قانون لاحق، تخصیص قانون عام سابق خواهد بود. پس نتیجه اینکه در صورت نبود کارشناس رسمی در محل، حق واگذاری و اظهار نظر در امور به خبره و کارشناس غیررسمی نبوده و باید از کارشناس رسمی حوزه نزدیک به محل مورد نزاع استفاده کرد. ضمن اینکه با در نظر گرفتن مفهوم ذیل ماده ۲۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی که عنوان می‌دارد دادگاه باید کارشناسان مورد وثوق را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است انتخاب نماید. به‌نظر می‌رسد جمله «با وجود کارشناسان رسمی» در تقدیر گرفته شده لذا در رشته‌هایی که کارشناس رسمی وجود دارد نباید از خبرگان محلی استفاده شود و این مفهوم براحتی قابل درک است. موید این نظر نیز در ماده ۱ قانون

کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ است و اگرچه با تصویب قانون جدید منسوخ گردیده لکن هدف قانون‌گذار در این زمینه بنیادی است.

طی سالیان گذشته حدود ۲۲ قانون، آیین‌نامه و مصوبات در خصوص اهمیت و الزام استفاده از کارشناس رسمی به تصویب رسیده که به تعداد محدودی از آن برای نمونه و اشراف ذکر می‌گردد.

۱- برابر حکم صریح ماده ۱۸ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ وزارت‌خانه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و موسسات و دستگاه‌ها دولتی در صورت نیاز به کارشناس برای انجام کارشناسی راجع به اموال عمومی ملزم به استفاده از کارشناسان رسمی می‌باشند لذا از معرفی خبرگان محلی خودداری شود و دادستان‌ها محترم هر حوزه قضائی برای حفظ حقوق بیت‌المال بر نظریات کارشناسی واصله نظارت لازم را اعمال نمایند.

۲- ماده ۱ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۲۳/۱۱/۱۳۱۷ منسوخ: در حوزه‌هایی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند هر وقت رجوع به کارشناسی لازم باشد دادگاه‌ها و پارک‌های و هر مقام رسمی دیگر باید منحصراً از بین کارشناسان رسمی انتخاب کند.

۳- آیین‌نامه وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول مؤسسات اعتباری. (ریالی و ارزی- ۱۳۸۸/۸/۳)

۴- لزوم بهره‌برداری از نظرات کارشناسی هیأت مدیره و یا کارشناس رسمی دادگستری - آیین‌نامه معاملات شرکت سهامی ما در تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق. (ساتکاب- ۱۳۸۸/۰۴/۱۴)

۵- احراز اصالت خودرو و گواهی اسقاط در مراکز اسقاط بنا به تشخیص پلیس، توسط کارشناس رسمی (مقیم) یا کارشناس یا کاردان فنی نیروی انتظامی (مقیم) انجام می‌گیرد. ماده ۹ آیین‌نامه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده (۱۳۸۸/۳/۲۰)

۶- فروش خانه‌های سازمانی در مالکیت خود براساس قیمت پایه کارشناسی روز که توسط کارشناس رسمی تعیین می‌گردد،- آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن- (۱۳۸۸/۰۲/۰۷)

۷- منظور از کارشناس کارشناس رسمی دادگستری موضوع ماده ۲۷ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۸۴ می‌باشد. -آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن- (۱۳۸۸/۰۲/۰۷)

۸- آیین‌نامه تعیین کارشناسان رسمی و الزام استفاده از ایشان در تمامی مراکز دولتی توسط هیأت وزیران. (مورخ ۱۳۸۷/۰۴/۰۵)

اداره حقوقی قوه قضاییه: آیا دادگاه می‌تواند در صورت عدم وجود کارشناسان رسمی در محل از نظر خبرگان محلی استفاده کند؟

اداره حقوقی در پاسخ به این سوال این‌گونه مطرح می‌نماید که با توجه به ماده ۲۹ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ در موضوع سوال که به‌نظریه کارشناسان رسمی منتخب اعتراض شده و انتخاب هیات کارشناسان از بین کارشناسان رسمی در محل مقدور نباشد دادگاه می‌تواند از خبرگان محلی استفاده نماید و هم از کارشناسان رسمی خارج از حوزه قضایی دادگاه و یا انجام کارشناسی را به دادگاهی که کارشناس رسمی در حوزه آن است محول نماید. (www.law-ir.com - ۱۳۹۴/۰۷/۱۳)

در پاسخ می‌توان اشاره داشت این در صورتی است که انجام کارشناسی در خارج از حوزه دادگاه مرجع رسیدگی مقدور نباشد مانند اظهار نظر در خصوص خط و امضاء و مانند تعیین اجرت‌المثل زمین و خانه و... ممکن است کارشناس رسمی از حوزه قضایی دیگر انتخاب و دعوت گردد. ضمن این‌که با افزایش رشته‌های کارشناسی و تصویب قانون جدید توجه به این نظریه به‌نظر می‌رسد چندان مورد توجه قانون‌گذار و رویه قضایی دیگر قرار نگیرد.

مسئولیت مدنی کارشناس رسمی

کارشناسان نقش بسیار مهمی در حل دعاوی مطروحه در دادگستری به خصوص در صدور آراء صادره از محاکم بدوی و تجدید نظر دارند به همین جهت با لحاظ تخصص‌های فنی خود در مساعدت و یاری رساندن به قضات جایگاه ویژه‌ای دارند. در این راستا هر کارشناسی ممکن است در انجام وظایف خود سهوا و یا عمدتاً دچار تخلفاتی شده و خساراتی بی‌ار آورد با در نظر گرفتن قواعد عام و قانون مسئولیت مدنی قابلیت پیگیری دارد. هیچ خسارتی نیابستی بدون جبران بماند. این یکی از مبانی فقهی و شرعی بوده که در قوانین موضوعه ما نیز وارد شده است. بنابراین تفاوتی نمی‌کند که این مسئولیت را کارشناس رسمی داشته باشد و یا غیررسمی یا خبره لذا به هر طریقی که این خسارت وارد شود توسط مسبب باید جبران گردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴۵)

در صورتی که زیان دیده صرف‌نظر از اخذ خسارت وارده اصرار بر برخورد قانونی با کارشناس متخلف را داشته باشد می‌تواند به استناد مواد مصرحه قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه اجرایی کارشناسان رسمی دادگستری از دو طریق محاکم حقوقی و یا کیفری و یا دادرسی انتظامی قانون در خواست رسیدگی داشته باشد.

جهت مطالعه مواد مربوط به تخلفات کارشناسان رسمی وفق قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ رجوع شود به مواد: ۱۲-۱۸-۲۱-۲۲-۲۳-۲۶-۳۷ و ...

بطورکلی مبنای مسئولیت مدنی در وهله اول تقصیر است. در حقوق ما هر کسی مسئول خسارتی است که بیار می‌آورد و یا در نتیجه بی‌احتیاطی موجبات زیان کسی را فراهم می‌کند. در این راستا علم و آگاهی

باعث می‌شود که در نوع اقامه دعوی حقوقی و کیفری متضرر دقت بیشتری نموده و اگر خسارت از حیث تخلفات منتج شده باشد از طریق دادرسی انتظامی اقدام نماید. (معماری، ۱۳۸۹، ۱۲)

قانون‌گذار در مورد متضرر شدن اصحاب دعوا در نتیجه تخلف کارشناس چه راجع به امور کیفری و چه در امور حقوقی در ماده ۲۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی و م ۳۷ قانون کارشناسان رسمی اذعان دارد که چنانچه کارشناس در نظریه کارشناسی خود تمام مآوَقع را ذکر نکند یا برخلاف واقع چیزی را ذکر کند یا چیزی را که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده در ورود خسارت می‌توان مطالبه ضرر کرد و در باب موضوع مواد ۳۷ مذکور مجازات در نظر گرفته است.

ماده ۲۶۷- هرگاه یکی از اصحاب دعوا از تخلف کارشناس متضرر شده باشد در صورتی که تخلف کارشناس سبب اصلی در ایجاد خسارات به متضرر باشد می‌تواند از کارشناس مطالبه ضرر نماید. ضرر و زیان ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست.

ارزش نظریه کارشناس رسمی

برای نظریه‌ای که مبتنی بر علم و تجربه از یک کارشناس صادر شده باشد قانون ارزش زیادی قائل است و آن‌را در زمره اسنادی که از طرف خود و ماموران منتصب وی ارایه می‌گردد، قلمداد می‌کند. در این زمینه ماده ۳۷ می‌گوید: هرگاه کارشناس رسمی با سوء نیت ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی برخلاف واقع چیزی بنویسد و یا در اظهار عقیده کتبی خود راجع به امر کیفری و یا حقوقی تمام مآوَقع را ذکر نکند و یا برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌گردد و همچنین هرگاه کارشناس رسمی در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوء نیت تغییر بدهد به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و اگر گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناس رسمی در حکم دادگاه مؤثر واقع شده باشد کارشناس مذکور به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد. حکم یاد شده در مورد خبرگان محلی نیز لازم‌الرعایه می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود بند آخر ماده مذکور حکم اشاره شده در این ماده را برای خبره و کارشناس غیررسمی هم لحاظ کرده است. معلوم نیست منظور از حکم یاد شده تمام مفاد ماده فوق است یا تنها اثر اجرایی یا مجازاتی؟ به نظر می‌رسد نسبت به کارشناسان غیررسمی نیز رعایت شود اما این تفسیر نیز خالی از اشکال نیست چرا که اگر خبره یا کارشناس غیررسمی مرتکب تخلفی گردد تحویل توسط کانون‌های انضباطی که عضویتی در آن ندارد چگونه ممکن خواهد بود و یا بر مبنای کدام قانون مکتوبات و یا اظهار نظرهای یک خبره یا کارشناس غیررسمی در صورت تغییر شکلی یا ماهوی نوشته صادره، جعل در اسناد رسمی خواهد بود. برای این ارتکاب باید سندی تنظیم شده و آن هم مورد تایید یک مرجع بنام دادگاه قرار بگیرد. درست است در اظهارات خود ممکن است تمام حقایق را ننویسد و شاید جعل معنوی هم محسوب شود لکن هنوز تا سندی که به‌وجود نیامد که قابل تغییر

نخواهد بود لذا ارجح این است که بند ماده ۳۷ مورد بازنگری قرار گیرد. طبق ماده ۱۲۸۷ ق.م اسنادی که در نزد ماموران رسمی در حدود صلاحیت، تنظیم می‌کنند رسمی خواهد بود: ملاحظه می‌شود که چه کسانی مامور رسمی هستند. مگر یک قاضی صلاحیت اعطای رسمی بودن یا غیررسمی بودن در یک قانون را دارد؟ مگر کسی جز قانون می‌تواند به فرد حقیقی یا حقوقی لفظ اعطای رسمیت کند؟ این بند قانونی که یک کارشناس غیررسمی نیز در صورت جعل، یک سند رسمی را خدشه وارد کرده است دارای ابهام است و بایسته است در این خصوص اقدامات لازم توسط مراجع تقنینی یا تفسیری نظیر مجلس، هیات عمومی دیوان عالی کشور، اداره حقوقی قوه قضاییه ... تعیین تکلیف لازم صورت گیرد.

کارشناس رسمی مکلف است در موقعی که مقام صلاحیت‌دار معین می‌کند در جلسه دادرسی یا محلی که مقرر شده حاضر شود مگر این که عذر موجهی داشته از قبیل فوت یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم و همچنین در موقعی که موانع خارجی غیرقابل رفع که اراده او در آنها مداخلت نداشته مانع از حرکت او باشد و در صورت امکان باید عذر خود را قبلاً به اطلاع دادگاه یا مقام صلاحیت‌دار برساند. اگر کارشناس غیررسمی و خبره قبول و تعهدی در زمینه حضور یا ارایه نظر تخصصی داده است به‌نظر جز از طریق قواعد عام قابل الزامی برای وی وجود ندارد و واضح است که طبق قانون کارشناسان رسمی قابل پیگرد نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

در زمان کنونی پیچیدگی و تنوع علوم باعث شده تا کسی نتواند به تنهایی به همه علوم وارد شده و ابهامات خود را برطرف کند. کارشناسان همواره بازوی توانمند قضات در خروج تاریکی‌ها و رهنمون ساختن ایشان به روشنایی‌ها هستند. با توجه به حجم پرونده‌های زیادی که به دستگاه قضایی روزانه وارد می‌شود و اکثراً نیز دارای پیچیدگی‌های خاص خود هستند نیازمندی به ارایه نظریه کارشناسی روز به روز بیشتر احساس می‌شود. علاوه بر کارایی کارشناسان علوم متعدد در مسایل قضایی، کاربرد آنها در حل اختلاف و اقدامات استفاده از نظر کارشناسان و خبرگان ملازمه عقلی داشته و اگر مردم و سازمان‌ها و بطور کلی اجتماع بتوانند به‌نحو مطلوب از این تاسیس حقوقی بهره‌مند شوند دعاوی کمتری وارد سیستم قضایی خواهد و اگر هم جهت رفع اختلاف به دستگاه قضا رجوع شود، یافتن حقیقت به مراتب از اموری که کارشناس و خبره حضور ندارد سهل‌تر خواهد بود.

نتایج

۱- رجوع به کارشناس و بهره‌گیری از نظر متخصصین و عقلاً در گره‌گشایی امورات مبهم علی‌الخصوص دستگاه قضایی، مورد تاکید قرآن کریم و عقلای جامعه است.

- ۲- کشورهای متعدد و پیشرفته دنیا در صددند که فرایندهای استفاده از حوزه‌های کارشناسی و خبره‌گی را افزایش داده و از این راه به توسعه عدالت قضایی دست یابند.
- ۳- کارشناسی اصول مهم و لازم‌الرعایایی دارد که بی‌توجهی به آنها باعث بی‌اعتباری نظر ارایه شده می‌گردد. از مهم‌ترین آنها می‌توان به رعایت بی‌طرفی و پرهیز از ارایه نظر مغرضانه اشاره کرد.
- ۴- استفاده از نظرات کارشناس رسمی باعث جلوگیری از هزینه‌های نامتعارف دادرسی می‌گردد. چرا که هزینه‌های آن مصوب شده است.
- ۵- استفاده از نظرات کارشناس رسمی بجای بهره‌مندی از خبره و کارشناس عادی باعث وزن گشتن نظرات قضایی است.
- ۶- استفاده از نظرات کارشناس رسمی دادگستری باعث تسریع در رسیدگی‌های قضایی بوده و از اطاله آن جلوگیری خواهد کرد. کارشناسان نیز مانند وکلا طی سال موظف هستند به رایگان معاضدت کارشناسی نمایند.
- ۷- ارجاع به کارشناس برای قاضی جنبه طریقیته داشته و فی‌نفسه برای قاضی الزامی در رعایت آن نخواهد بود اما اگر قاضی در امورات مبهم فنی و تخصصی بدون نظر کارشناس رایبی را بر پایه دانسته‌های خود صادر نماید قطعاً موجبات برخوردهای انضباطی برای وی فراهم خواهد شد.
- ۸- در صورتی که انتخاب کارشناس بر عهده اطراف دعوا واگذار شود، صدور رای صادره قاطع دعوا بوده و قابلیت تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی آن وفق قانون زایل می‌شود، لذا بایسته است انتخاب کارشناس بر عهده دادرس واگذار شود تا این امتیاز برای اصحاب دعوا تضمین گردد. از طرفی اگر طرفین دعوا قادر به حل مشکلات خود بودند بدون حضور در مرجع قضایی مشکلاتشان را مرتفع می‌کردند.
- ۹- برخی از کشورها نظیر انگلستان، ایالات متحده آمریکا، اکراین، فرانسه و... معتقدند نظری که کارشناس ارایه می‌دهد در حکم شاهد است و از آن به‌عنوان کارشناس شاهد یاد می‌کنند. برخی از فقها نیز از جمله صاحب جواهر به نقل از مرحوم کاتوزیان معتقدند نظری را که یک متخصص ارایه می‌دهد از شهادت شاهد برتر بوده چرا که شاهد حاضر در صحنه است لکن ممکن است موضوع را درک نکند لذا هرآنچه که می‌بیند فرای درست یا غلط بودن آن را بیان می‌کند برخلاف کارشناس و متخصص که موضوعات را لمس نموده و از این طریق به درک صحیح موضوع که مبتنی بر علم و تجربه اوست حقایق را حتی برخلاف صورت ظاهری موضوع بدست می‌آورد؛ لذا نظر کارشناس و متخصص با این قابلیت اهمیت مضاعف‌تری نسبت به شهود می‌تواند داشته باشد. میان واقعیت ظاهری و حقیقت موضوع تفاوت است.
- ۱۰- کارشناس رسمی نظری را که ارایه می‌دهد رسمی است لکن طرفین دعوا حق ابطال و نامعتبر بودن آن را نمی‌توانند داشته باشند و تنها حقی که به آنها داده شده حق اعتراض به آن است و تنها در

صورتی که دادرس آنرا مخالف اوضاع و احوال مسلم بداند می‌تواند آن را نادیده بگیرد و یا وی را مجدداً ملزم به تصحیح نظر نماید و یا در صورت عدم اقناع به فرد یا هیاتی دیگر از کارشناسان موضوع را محول نماید.

۱۱- کارشناس رسمی قابل الزام به ارایه نظر توسط دستگاه قضایی بوده و نمی‌تواند از انجام وظایف قانونی تعریف شده خود شانه خالی نماید مگر به معاذیر موجه، لذا ضمانت اجرای متعدد قانونی نیز برای آن تعریف شده است.

۱۲- در صورت تخلف و عدم رعایت مقررات قانونی در ارایه نظر توسط کارشناس عادی یا خبره به هیچ‌عنوان قابلیت ارجاع به محاکم انتظامی کانون امکان‌پذیر نبوده و این قید با صراحت قانونی تنها برای کارشناس رسمی تعریف شده است.

۱۳- با عنایت به تصویب بیش از ۲۲ عنوان قانونی و مقرر در خصوص لزوم استفاده از نظرات کارشناس رسمی بجای کارشناس عادی استفاده از کارشناس رسمی در اولویت بوده و در صورت عدم وجود آن باید از کارشناسان رسمی حوزه قضایی نزدیک بهره‌مند شد لذا توجیحات مطروحه استفاده از خبره و کارشناس غیررسمی، فاقد اعتبار قانونی است.

پیشنهادات

۱- در حال حاضر با گستردگی علوم، چاره‌ای جز اعتماد و استفاده از نظریه کارشناس متخصص و رسمی وجود نداشته و قضات با ایراد نظر و دلایل موجه، عدم مطابقت نظریه را با اوضاع و احوال محقق و معلوم رد نمایند.

۲- تعامل و همکاری اعضای کانون کارشناسان رسمی دادگستری با سیستم قضایی کشور باید مبتنی بر یک اعتماد متقابل باشد، این اعتماد متقابل و در نتیجه تعامل و همکاری منجر به رسیدگی مطلوب به پرونده‌ها و رسیدگی مناسب به دعوای مردم می‌شود.

۳- دولت، دستگاه‌ها، نهادها و حتی وزارتخانه‌ها هنگام خرید و فروش ملک یا نقل و انتقالات ملکی، موظف هستند برای تعیین قیمت املاک، از کارشناسان رسمی دادگستری استفاده کنند و هرگونه قیمت‌گذاری بدون دخالت کارشناس رسمی دادگستری، ممنوع و فاقد وجاهت قانونی است لذا حتی‌المقدور از کارشناسی رسمی در دعوای استفاده گردد.

۴- استفاده از کارشناسان رسمی در تمام امورات قضایی مساوی است با ارجاع کمتر اختلافات به دادگستری.

۵- با توسعه رشته‌های کارشناسی و فرهنگ استفاده از کارشناسان رسمی دادگستری به‌جای استفاده از خبرگان محلی که انصافاً هزینه‌هایی پایین‌تری هم به اطراف دعوی تحمیل می‌کنند نهایتاً به کاهش حجم رسیدگی‌های قضایی که بعد از افتتاح پرونده بدوی صورت می‌گیرد کمک شایانی خواهند کرد.

- ۶- استفاده به موقع و به هنگام در پرونده‌های قضایی کشور که ابهامات علمی و تخصصی در آنها وجود دارد قطعاً از اطلاع دادرسی جلوگیری شده و در حل پرونده‌های قضایی تسریع خواهد شد.
- ۷- تا جایی که امکان دارد، انتخاب کارشناس به خواست و اراده قاضی واگذار شود نه اطراف دعوا، تا امتیاز تجدید نظر خواهی آن وفق تبصره ماده ۳۳۱ و ماده ۳۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی سلب نگردد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- بازگیر، یدالله (۱۳۷۵)، علل نقض آرای کیفری در شعب دیوان عالی کشور، انتشارات حقوقدان، زمستان
- ۳- زراعت، عباس، (۱۳۸۶)، محشای قانون آیین دادرسی مدنی، نشر ققنوس، تهران، چاپ اول
- ۴- غفاری، علی اکبر، (۱۳۸۷) ترجمه من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ج ۴
- ۵- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱
- ۶- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵) اثبات و دلیل اثبات، تهران، انتشارات میزان، تهران، چاپ سوم، جلد دوم
- ۷- موحدی لنگرانی، محمد فاضل (۱۳۸۳)، جامع الاستفتائات، انتشارات امیراعلم، قم، جلد دوم، چاپ یازدهم، قم
- ۸- محمدی، ابوالحسن، (۱۳۸۵)، مبانی استنباط حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیست و هفتم
- ۹- واحدی، قدرت‌الله، (۱۳۸۴)، بایسته های آیین دادرسی مدنی، نشر میزان، تهران، چاپ هفتم

مقالات و پایان نامه‌ها

- ۱- بلاغت، محمدحیی، (۱۳۸۷) مقاله حجیت نظر کارشناس در امور کیفری، مطالعه حقوقی و فقهی، فصلنامه معرفت، شماره ۱۳
- ۲- پور سید، بهزاد، کیخافرزانه، محمد امین (۱۳۹۱)، اعتبار نظر کارشناس و اهل خبره در فقه امامیه و عامه، پژوهش نامه حقوق اسلامی، شماره اول، سال سیزدهم فصل بهار
- ۳- جعفرزاده، نسرین، (۱۳۹۲)، پایان نامه اهمیت بررسی صحنه جرم، دانشجوی حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۳)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ چهاردهم
- ۵- حسن زاده، مهدی (۱۳۸۷)، کارشناسی دلیلی مستقل از علم قاضی، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۷، فصل بهار

- ۶- حسن زاده، مهدی، (۱۳۸۸)، رابطه کارشناسی و شهادت در فقه و حقوق، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۴
- ۷- حسن‌زاده، مهدی، (۱۳۸۳)، اعتبار نظر کارشناس، مجله حقوق خصوصی، نشر پردیس قم- دانشگاه تهران، پاییز و زمستان، شماره ۷
- ۸- حسینی، سید یوسف، (۱۳۸۰)، حجیت نظر کارشناسان، مجله حقوقی دادگستری، نشر قوه قضاییه، تابستان، شماره ۳۵
- ۹- حسینی خواه، نورالله، اورنگیان، غلامعلی، (۱۳۹۲) ارزیابی اعتبار نظریه کارشناس در محاکم کیفری، مجله حقوقی کارآگاه، دوره دوم، سال ششم، پاییز
- ۱۰- سرشار، محمود، (۱۳۲۱) کارشناسی و کارشناس، مجله حقوقی قانون و کلا مرکز، شماره ۳۱، اردیبهشت
- ۱۱- طاهری، فاطمه، (۱۳۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بررسی یافته‌های پزشکی قانونی و تاثیر آن بر حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز
- ۱۲- غروی، علی (۱۳۰۵)، تقریرات در شرح عروه الوثقی، نشر الهادی، ج ۲
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳) مقاله «کارشناسی، علم و تجربه در خدمت عدالت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲ دانشگاه تهران، زمستان
- ۱۴- معماری، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، پایان نامه بررسی مبنا و حدود مسئولیت مدنی کارشناسان رسمی دادگستری، دانشگاه قم
- ۱۵- مهاجری، علی، (۱۳۸۳)، شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، نشر فکرسازان، تهران، چاپ اول، تابستان، ج ۱
- ۱۶- موسوی، سیدمهرزاد، (۱۳۹۱) پایان‌نامه اعتبار نظریه کارشناس در حقوق موضوعه ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

سایت‌ها

- 1- www.bookboon.com
- 2- www.aghigh.ir
- 3- www.aviny.com
- 4- www.farsnews.com
- 5- www.hawzah.net
- 6- www.law-ir.com
- 7- www.nasermohamadi.blogfa.com
- 8- www.rainn.org
- 9- www.vekalat.org